



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی گوارز

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵
<http://jead.gau.ac.ir>

نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی زنان روستایی

*فاطمه علی توکلی^۱ و رضا موحدی^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان،

^۲دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۱

چکیده

امروزه یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های مشارکت زنان در جامعه روستایی ایجاد کسب و کارهای کوچک و ورود به کارآفرینی یا خوداشتغالی است. هم‌چنین کارآفرینی روستایی به‌عنوان یک رویکرد اساسی و موازی با اهداف توسعه روستایی می‌تواند کمک شایانی به توسعه و پیشرفت روستاها نماید. در حال حاضر با توجه به چالش‌های موجود در روستاهای کشورمان مانند بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین، مهاجرت‌های بی‌رویه و بالا بودن میزان فقر به‌نظر می‌رسد توسعه و گسترش پرداخت منابع مالی از جمله اعتبارات خرد راهی است که می‌تواند از طریق افزایش قابلیت کارآفرینی میان مردم روستایی منجر به توسعه این مناطق شود. لذا نظام اعتبارات خرد از جمله راهکارهای مطرح شده طی چند دهه اخیر با هدف تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیاد مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی زنان روستایی بوده است. هم‌چنین قرار دادن سرمایه در اختیار زنان برای راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزا در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آن‌ها مؤثر بوده و موجب بهبود کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود. از این‌رو در مقاله حاضر که از نوع مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات مورد نظر از طریق، مجلات و پژوهش‌های انجام شده قبلی گردآوری شده است به نقش بی‌بدیل اعتبارات

*مسئول مکاتبه: f.alitavakoli93@gmail.com

خرد در توانمندسازی زنان، توسعه کسب و کارهای کوچک و تحقق کارآفرینی زنان در جوامع روستایی تأکید و اشاره گردیده است.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات خرد، کارآفرینی، زنان روستایی، توانمندسازی

مقدمه

با نگاهی به تاریخ تحولات اقتصادی جهان می‌توان دریافت که مفاهیم سرمایه و سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین عناصر توسعه ملت‌ها بوده است و مکاتب مختلف توسعه، سرمایه‌گذاری را از اصول بنیادین خود قلمداد کرده‌اند. توسعه نیافتگی بازارهای مالی در کشورهای کم درآمد و در حال توسعه، استفاده از اعتبارات و خدمات مالی را برای گروه‌های کم درآمد و فقیر به‌ویژه برای روستائیان با ریسک چشم‌گیری همراه کرده است. در این‌گونه کشورها، به‌علت ناکارآمدی بازارهای مالی نه تنها قشر عظیمی از جامعه توان دسترسی به منابع مالی را ندارند، بلکه سازوکار تجهیز منابع و پس‌اندازها نیز دارای وضعیت مناسبی نیست (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). از طرفی دیگر، روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است به گونه‌ای که کارآفرینان، سرمایه کشورها را کشف و از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند و از این طریق در توسعه کشورها نقش محوری دارند، شواهد نشان می‌دهد که علت توسعه کشورهای چگون آمریکا، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته‌اند، کارآفرینی است (همان). از طرفی همچنین از جمله برنامه‌هایی که برای توسعه زنان در نظر گرفته شده است، تخصیص اعتبارات خرد به‌ویژه در جوامع روستایی می‌باشد. اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایه لازم را برای زنان ایجاد کند و همچنین عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم موجود در روستاها، جلوگیری از مهاجرت روستائیان و نهایتاً گسترش عدالت اجتماعی باشد (ملاشاهی، ۱۳۹۰).

بنابراین هدف این تحقیق بررسی نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی زنان روستایی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، محققان سعی کرده‌اند با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و ترجمه متون تخصصی به بررسی نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی زنان روستایی بپردازند. در این راستا ابتدا مروری بر تعاریف و مفاهیم اعتبارات خرد صورت گرفته پس از آن به ترتیب به مقوله‌های نقش

اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان، ضرورت و اهمیت کارآفرینی و نقش آن در مناطق روستایی، کارآفرینی زنان و ارتباط اعتبارات خرد با کارآفرینی زنان روستایی پرداخته شده است.

اعتبارات خرد: مفاهیم و تعاریف

تعاریف و مفاهیم اعتبارات خرد بر اساس مؤلفه‌های زیادی صورت می‌گیرد. بر مبنای میزان دریافت "اعتبارات خرد" به اعتباری گفته می‌شود، از نظر مبلغ اندک باشد، در برخی به وام‌های کوچک چند دلاری و در مواردی به وام‌های چند هزار دلاری اعتبارات خرد گفته می‌شود (EC, 2003). از نظر نحوه استفاده از اعتبار نیز "اعتباراتی" است که برای کاهش فقر و یا راه‌اندازی کسب و کار کوچک و عموماً خوداشتغالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر شرایط پرداخت، اعتباری است که قابلیت دستیابی به آن به سادگی امکان‌پذیر است، شرایط آن قابلیت انعطاف داشته و قرارداد آن با سادگی تمام و متناسب با شرایط محلی قابل تنظیم باشد (بختیاری، ۱۳۸۹). بانک جهانی اعتبارات خرد را فرایندی می‌داند که طی آن خانوارهای فقیر اعتبارات را در یک دوره زمانی مشخص و با بازپرداخت در طولانی مدت و با استفاده از وثیقه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند (Word Bank, 2006). اعتبارات خرد قراردادن وام‌های کوچک در اختیار زنان روستایی جهت راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک است. نرخ کارمزد و اماها بین ۶ تا ۱۰ درصد است و اقساط و اماها نیز طی یک دوره ۱۰ الی ۱۲ ماهه بازپرداخت می‌شود (فقیری و همکاران، ۱۳۹۰). اندرسون و لاکر (۲۰۰۲)، اعتبارات خرد را راهبردی در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی زنان و مردان کم درآمد به منابع اعتباری می‌دانند که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌شود. این راهکار، که به موقعیت‌های چشمگیری در کشورهای در حال توسعه نائل آمده است، سبب شد تا سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به‌عنوان سال اعتبارات خرد نام‌گذاری کند. در واقع تأمین اعتبارات خرد اولین قدم برای کاهش فقر است، زیرا که این اعتبارات، به مانند پنجره‌ای، افقی از فرصت‌های شغلی را برای جوامع روستایی نمایان می‌سازد (Sanyang and Huang, 2008). تأمین اعتبارات خرد در حقیقت می‌تواند با افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های زنان شرکت‌کننده، فرصت مشارکت و تصمیم‌گیری درباره مسائل زندگی و قدرت تأثیرگذاری بر محیط اطرافشان را فراهم کند، یعنی موجب توانمندسازی آنان شود (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹).

اعتبارات خرد در کاهش فقر، به‌ویژه به دو دلیل اهمیت دارند، یکی آن که معمولاً اعتبارات بانکی به خصوص در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی‌شود، و دیگر آن که

عواملی مثل وجود قدرت‌های انحصاری و یا بالا بودن نرخ بهره باعث شده است که منابع مالی غیر رسمی نیز نتوانند اعتبارات لازم را در اختیار قشر فقیر جامعه قرار دهند (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). تأمین مالی خرد شامل خدماتی از قبیل وام، پس‌انداز، بیمه، خدمات انتقال وجه و دیگر امتیازات مالی است که معمولاً به مشتریان کم درآمد ارائه می‌شود. متقاضیان منابع مالی خرد معمولاً افراد فقیر و کم درآمد هستند. زنان سرپرست خانوار، زنان تنگدست، جوانان روستایی، صنعت‌گران و کشاورزان خرده پا و کسانی که درصدد ایجاد فعالیت خود اشتغالی هستند را می‌توان از آن جمله دانست. علاوه بر آن دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع روستایی و جوامع شهری از اهداف و ویژگی‌های دیگر خدمات مالی خرد است. یکی از تجارب موفق در خصوص پرداخت تسهیلات مالی (اعتبارات خرد) به زنان فقیر مربوط به کشور بنگلادش با تأسیس گرامین بانک است. این بانک در سال ۱۹۷۶ با هدف کمک به توده‌های فقیر جامعه به‌ویژه زنان روستایی تأسیس شد. مجموع مطالعاتی که در خصوص گرامین بانک انجام شده است، حاکی از موفقیت آن در ایجاد اشتغال و فقرزدایی و روحیه اعتماد به نفس و خوداتکائی در زنان فقیر است (شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، ۱۳۹۳). کشور نپال در حمایت از زنان فقیر از سال ۱۹۸۲ با همکاری یونیسف و صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی و سازمان‌های غیردولتی، اعتبار و تسهیلات در اختیار زنان فقیر قرار می‌دهد، بررسی عملکرد این طرح نشان می‌دهد، این طرح تأثیر مثبتی در جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان بر جای گذاشته است (دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). اثرات اعطاء وام به زنان روستایی، شامل رفاه، کارآیی، برابری و توانمندی می‌باشد (خانی، ۱۳۸۱). شبکه خرد وام‌دهی می‌تواند به افزایش توانمندی‌های روانی و اجتماعی زنان عضو نسبت به زنان غیر عضو کمک نماید. دسترسی زنان به اعتبارات، منجر به افزایش سطح درآمد آنان، دسترسی به شبکه‌های اطلاعات و بازار، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانوار و بهبود دیدگاه عمومی زنان در مورد نقش زن در خانواده و جامعه می‌گردد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷). لذا با توجه به اهمیت موضوع در زیر به نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی اشاره می‌شود.

نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی: توانمندسازی فرایندی است که طی آن، زنان نه تنها کنترل زندگی خود را به دست می‌گیرند، بلکه توانایی مشارکت در جامعه و درک انتقادی از محیط

پیرامون خود را نیز کسب می‌کنند (مافی، ۱۳۸۵). در ساده‌ترین دیدگاه توانمندسازی به مثابه فرایندی تصور شده که در طی این فرایند، افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی خویش آگاهی یافته و برای تغییر این شرایط به شرایط مطلوب برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند (همان). اعتبارات خرد با دارا بودن پتانسیل بالقوه در توانمندسازی زنان روستایی، نقش مؤثری را در بهبود شرایط زنان روستایی ایفا می‌کند. در تأیید این مدعا، سواين و والتین (۲۰۰۷)، نشان دادند که اغلب زنانی که به اعتبارات خرد دسترسی داشته‌اند، به درجاتی از توانمندی رسیده‌اند. به عبارت دیگر قرار دادن اعتبارات و دیگر منابع مالی در اختیار زنان موجب کسب قدرت مالی و مشارکت اقتصادی آنان در جامعه و خانواده می‌شود، به گونه‌ای که این شرایط نقش قابل توجهی در توانمندسازی آنان ایفا می‌کند (Mayoux, 1998). اسکارلاتوس (۲۰۰۴)، در مطالعه خود به این نتیجه رسید که برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان نه تنها در بهبود اقتصاد جامعه و خانواده مؤثر است، بلکه موجب افزایش رفاه و اعتماد به نفس زنان نیز می‌شود. وی همچنین، بر این باور است که قرار دادن سرمایه در اختیار زنان برای راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزا در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنها مؤثر بوده، موجب بهبود کیفیت زندگی آنها می‌شود. در مجموع دو دیدگاه متفاوت در خصوص نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی وجود دارد. در دیدگاه اول، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که فراهم ساختن اعتبارات خرد برای زنان فقیر موجب برقراری توازن و تعادل اجتماعی می‌شود و طرفداران این دیدگاه معتقدند که اعتبارات خرد نه تنها موجب بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌گردد بلکه روابط جنسیتی موجود در جامعه را نیز بهبود می‌بخشد. طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که اگرچه افزایش اندک درآمد و دارایی می‌تواند موجب رفاه و امنیت اقتصادی زنان شود، اما این افزایش اندک تأثیر ناچیزی بر روابط اقتصادی و اجتماعی دارد و لذا دسترسی به اعتبارات خرد تنها می‌تواند ابزار مؤثری برای ورود زنان به مسیر توانمندی باشد (همان).

ضرورت و اهمیت کارآفرینی: هیسریچ و پیترز (۲۰۰۲)، کارآفرینی را فرآیند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن می‌دانند؛ با فرض همراه بودن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش‌های مالی، روانی، اجتماعی و رضایت فردی. با توجه به لزوم اهمیت دادن به مقوله کارآفرینی به منظور رفع بحران بیکاری در کشور، لازم است که با توجه به نظام اقتصادی و چشم‌انداز آینده، ساختارهای مناسب جهت توسعه کارآفرینی نیز به کارآفرینان معرفی گردد

(دهباشیان و همکاران، ۱۳۹۰). کارآفرینی را می‌توان یک فرآیند پویا نامید که این فرآیند شامل موارد زیر است:

- میل به خطرپذیری حساب شده براساس زمان
- ارزش خالص یا فرصت شغلی
- توانایی تشکیل تیم در ارتباط با انجام یک کار پرخطر
- داشتن مهارت خلاق در نظم بخشیدن به منابع موردنیاز
- داشتن مهارت اساسی در پی‌ریزی و طراحی یک طرح منسجم و پایدار شغلی
- داشتن چشم‌اندازی برای یافتن فرصت‌هایی که دیگران نمی‌توانند در یک موقعیت به هم‌ریخته دریابند (علی میری، ۱۳۸۷).

رابرت و استنبرگ (۲۰۰۴)، در مورد آگاهی‌های لازم برای ایجاد یک کارآفرینی موفق، تحقیقی انجام داده‌اند و معتقدند یک کارآفرینی موفق مستلزم ترکیبی از فاکتورهایی مانند تحلیل‌ها، ذهن خلاق (خلق‌کننده) و آگاهی و بینش در جنبه‌های کاربردی و عملی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که یک جنبه به تنهایی نمی‌تواند، تمام نیازهای ایجاد یک کارآفرینی موفق را به وجود آورد، بلکه ترکیب مؤلفه‌ها می‌تواند یک همکاری جدید برای کارآفرینی موفق را به وجود آورد. لذا با توجه به اهمیت کارآفرینی، در زیر به ضرورت آن در مناطق روستایی پرداخته می‌شود:

ضرورت کارآفرینی در مناطق روستایی: توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی روستائیان است و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی باشد (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰). دابسون و دیگران در مطالعه خود برای طراحی فعالیت‌های کارآفرینی و جمع‌آوری اطلاعات درباره سازمان‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های حمایت‌کننده از کارآفرینی در مناطق روستایی، به این نتیجه رسیدند که چهار عامل اصلی لازم برای حیات بخشی به روح کارآفرینی در مناطق روستایی عبارتند از:

- ایجاد فعالیت متناسب با نیازهای شناسایی شده جامعه محلی
- تولیدات کافی متناسب با مقیاس منابع و مهارت‌های محلی
- تمرکز بر کارآفرینی

- یادگیری مداوم از طریق تغییر آموزه‌های قبلی (Dabson et al., 2003).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی می‌باشد و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷). مک الوی (۲۰۰۵)، سیدوهو و کائور (۲۰۰۶)، معتقدند رشد کارآفرینی روستایی موجب دسترسی بیشتر زنان روستایی به منابع لازم برای تبدیل شدن آن‌ها به کارآفرین می‌شوند. رابرت و استمبرگ (۲۰۰۴) کارآفرینی روستایی را مجموع سه گزاره ذیل تعریف می‌نمایند:

۱- نیرویی که سایر منابع را برای پاسخگویی به یک تقاضای بی‌پاسخ بازار بسیج می‌کند.

۲- توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ.

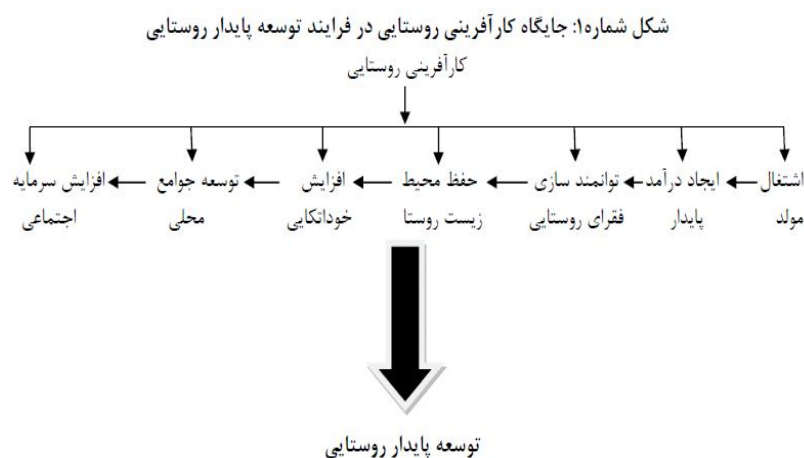
۳- فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع در راستای بهره‌گیری از یک فرصت. آنچه در مجموع می‌توان برای تعریف مقوله کارآفرینی روستایی به‌کار برد عبارتست از: به‌کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب و کار (Robert and Sternberg, 2004).

جایگاه کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی: کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نوین برای کار در مناطق روستایی ایجاد کند که از چندین جنبه اهمیت دارد: اول آن‌که معقولانه است، یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا توانایی کنترل بیشتری بر کار خود خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، از جمله نیاز به رشد و توسعه سالم فرصت‌های بیشتری به دست خواهند آورد، دوم آن‌که انسانی‌تر است، یعنی کار افراد و گروه‌ها نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد، سوم آن‌که، با محیط‌زیست سازگارتر است به‌این ترتیب کار با محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). کارآفرینی روستایی یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی است و بخش خصوصی، مهم‌ترین عامل توسعه پایدار اقتصادی روستا به‌شمار می‌رود. کارآفرینی روستایی، دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده آن‌ها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و خدماتی است که کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را فراهم می‌سازد (همان). موسسه‌های توسعه، کارآفرینی روستایی را همانند قابلیت برای ایجاد فرصت‌های

وسیع شغلی تلقی می‌کنند، سیاستمداران آن را به‌عنوان یک راه حل کلیدی برای پیشگیری از آشفته‌گی روستا می‌شناسند، کشاورزان، کارآفرینی را ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می‌گیرند و زنان آن را به‌عنوان امکان کار در مجاورت منازلشان تلقی می‌کنند که این نگرش، موجب استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان به حمایت‌های جامعه می‌شود (پاسبان، ۱۳۸۳).

امروزه در راهبردهای توسعه روستایی تجدیدنظر شده است و در بسیاری از مؤسسات ملی و بین‌المللی مجدداً بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی تأکید می‌شود. به همین دلیل، توسعه اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند راهبردهای جدیدی است که این امر با توسعه کارآفرینی و تواناسازی سیاست‌های محیطی ممکن می‌باشد (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین امروزه تلاش‌های مردم مناطق روستایی جهت رسیدن به پایداری اقتصادی می‌تواند با استفاده از کارآفرینان محلی افزایش یابد (همان).

در شکل زیر جایگاه کارآفرینی روستایی در فرایند توسعه پایدار آورده شده است (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹).



توسعه کارآفرینی زنان

تعریف زنان کارآفرین: زنانی که به تنهایی، یا با مشارکت و یا از طریق ارث کسب و کاری را ایجاد کرده و با قبول خطرات مالی و مسولیت‌های اجتماعی، اخلاقی، روانی و مالی در اداره امور روزانه

شرکت جویند و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد یا گسترش دهند تا در بازار بر رقبا غلبه یابند (Lavoie and Filion, 1995). راه اندازی و ارتقاء کسب و کار خرد و کوچک به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری برای ایجاد فرصت‌های اشتغال پایدار به ویژه برای افراد حاشیه‌ای مانند زنان، فقرا و افراد معلول مورد توجه قرار می‌گیرد. با فراهم آوردن یک منبع درآمد و افزایش دسترسی و کنترل بر منابعی مانند زمین، زنان می‌توانند کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. توانمندسازی اقتصادی موجب می‌گردد که تأثیر مثبت در اعتماد به نفس، مذاکره و موقعیت زنان در درون خانواده و افزایش حضور زنان در فرایند تصمیم‌گیری به وجود آید. مزایای توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق افزایش کارآفرینی نصیب آنان می‌شود (صابریان و صبوری، ۱۳۹۳). ارائه پشتیبانی مؤثر برای کسب و کار زنان بسیار مهم است این پشتیبانی به منظور تسهیل کسب و کار آنها از جمله برنامه‌های آموزشی زنان و ارائه مهارت‌های کارآفرینی می‌باشد ایجاد مراکز رشد کسب و کار راه مهم دیگری برای کمک به اطمینان از کسب و کارهای زنان است (همان).

مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی در ایجاد کسب و کارهای کوچک: کارآفرینان نیازمند مهارت‌های فراوانی هستند. عوامل حیاتی در ارتقای توانایی‌های کارآفرینان کسب و کارهای کوچک شامل توانایی اشاعه تجارب و فرصت‌ها، توانایی تشخیص اشتباهات، دسترسی به منابع و جذب اعضای بیرونی به عنوان بخشی از تیم کارآفرینانه می‌باشد. واژه‌های کارآفرین و صاحب کسب و کارهای کوچک به علت نزدیکی زیاد به هم، گاهی به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شوند (مقیم‌ی و احمدپور داریانی، ۱۳۸۷). کسب و کارهای مستقل که توسط کارآفرینان بنیان‌گذاری می‌شود، مهم‌ترین نوع کارآفرینی مورد بحث در ادبیات مرسوم کارآفرینی است. ویژگی آنها، مدیریت- مالک، سادگی فعالیت‌های اجرایی و حجم کوچک و نوپا بودن کسب و کار است. در این شرایط کارآفرینی به معنای ایجاد ساختاری ملموس برای کسب و کار است. صاحبان کسب و کارهای کوچک، این کار را از طریق ترکیب عوامل تولید به طوری که ارزش افزوده به دنبال داشته باشد انجام می‌دهند (همان). چالش اصلی توسعه کسب و کارهای کوچک شامل کمبود نقدینگی و وجود رقابت از جانب رقبای بزرگ‌تر و قوی‌تر بوده و مشکلات متداول آنها شامل کمبود سرمایه، توانایی اجرای ناکافی امور کنترل‌های ضعیف می‌شوند. کسب و کارهای کوچک، نقطه آغازین حرکت کارآفرینان می‌باشند و غالباً نوآوری‌ها در آن شکل می‌گیرند زیرا شرایط فرآیندی حاکم، بستر مناسبی را برای تبادل اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها فراهم می‌آورد. لذا انعطاف‌پذیری کسب و کارهای کوچک علاوه بر این که عامل اساسی

در شکل گیری نوآوری‌ها است، این توانمندی را به آن‌ها می‌دهد که در شرایط مختلف بازار، فرصت‌ها را غنیمت شمرند (Miller, 2008). اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایه لازم را برای زنان روستایی فراهم نماید. با عنایت به این موضوع، صندوق‌های اعتبارات خرد توسط دکتر یونس مطرح و برای اولین بار در بنگلادش راه‌اندازی شد. متعاقب آن، با توجه به اثرگذاری مطلوب این صندوق‌ها در تأمین سرمایه مالی زنان روستایی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک در سایر مناطق روستایی، در جوامع روستایی ایران نیز این صندوق‌ها شکل گرفتند. تحقیقات اخیر نشان دهنده نقش عظیم زنان در کارآفرینی و ایجاد شغل است. در سال ۲۰۱۰، تقریباً ۴۲ درصد از کارآفرینان دنیا زنان بوده‌اند (De vita et al, 2014). با این حال، بدون وجود سرمایه و اعتبارات لازم، به فعالیت درآوردن استعدادها و بهره‌برداری از توان‌های طبیعی و انسانی و کارآفرینی در گروه‌های مختلف، شامل گروه‌های زنان، امکان‌پذیر نیست (محمدی یگانه، ۱۳۹۲)، لذا توانمندسازی مالی زنان روستایی در قالب اعتبارات خرد و کلان مورد توجه برنامه‌ریزان این حوزه قرار گرفت.

ارتباط اعتبارات خرد و کارآفرینی زنان روستایی: امروزه بیشتر روستاییان در کشورهای در حال توسعه از دسترسی به منابع مالی محروم بوده و عدم دسترسی کارآفرینان به منابع مالی در این کشورها از سویی باعث گرفتار شدن مردم این مناطق در دور تسلسل فقر و از سوی دیگر باعث کاهش و محدودیت در شکل‌گیری کسب و کارهای جدید جهت افزایش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین درحال حاضر با توجه به چالش‌های موجود در روستاهای کشورمان مانند بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین، مهاجرت‌های بی‌رویه و بالا بودن میزان فقر به‌نظر می‌رسد توسعه و گسترش پرداخت منابع مالی از جمله اعتبارات خرد راهی است که می‌تواند از طریق افزایش قابلیت کارآفرینی میان مردم روستایی منجر به ایجاد توسعه این مناطق شود (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به‌منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقا بهره‌وری با تأکید بر به کارگیری اعتبارات خرد بوده است. اعتبارات خرد شامل تدارک خدمات مالی متناسب و در حد استطاعت مالی خانوارهای فقیری است که به خدمات مالی ارائه شونده از سوی مؤسسات مالی متداول دسترسی ندارند (Mathison, 2003). زنان در کشورهای در حال توسعه، امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها سبب سود اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند

(Seymour, 2003). اعتبارات خرد در کاهش فقر، به‌ویژه به دو دلیل اهمیت دارند، یکی آن‌که معمولاً اعتبارات بانکی به خصوص در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی‌شود، و دیگر آن‌که عواملی مثل وجود قدرت‌های انحصاری و یا بالا بودن نرخ بهره باعث شده است که منابع مالی غیررسمی نیز نتوانند اعتبارات لازم را در اختیار قشر فقیر جامعه قرار دهند (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به‌منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقا بهره‌وری با تأکید بر به کارگیری اعتبارات خرد بوده است (Mathison, 2003). منظور از اعتبارات خرد عمدتاً اعتبارات کوچک و وام‌هایی است که از نظر مبلغ کم بوده و بدون دریافت وثیقه از طرف یک مؤسسه مالی به اقشار کم درآمد پرداخت می‌گردد. در خصوص مبلغ این اعتبارات بحث‌های مختلفی وجود دارد. در برخی از موارد به وام‌هایی با مبلغ کمتر از ۱۰۰ دلار و در بعضی موارد به وام‌های چند هزار دلاری نیز اعتبار خرد اطلاق می‌گردد. به‌نظر می‌رسد که این قبیل اعتبارات برای دو هدف عمده پرداخت می‌گردد. در مواردی که هدف، مبارزه با فقر و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌ویژه روستائیان است، مقدار آن اندک ولی در مواردی که کمک برای ایجاد شغل و حرفه و ایجاد فرصت شغلی در جوامع روستایی و شهری است، مبلغ آن افزایش می‌یابد (نامجویان شیرازی، ۱۳۹۳). تأثیر اعتبارات خرد در حل مشکلات مالی زنان روستایی نشان داده که آن‌ها نه تنها توانسته‌اند بدهی و مخاطراتی هم‌چون درمان بیماری‌ها را از سر بگذرانند، بلکه عده‌ای با اعتبارات خرد به کارآفرینی نیز روی آورده‌اند و از این رهگذر، در کسب درآمد برای خانواده خود مؤثر واقع شده‌اند (Mathison, 2003; O'Donnell 2009; Pincha, 2008). اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح خرد و خانواده و چه در سطح کلان عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌روند (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶).

طی دهه‌های اخیر برنامه‌های اعتبارات خرد از رهیافت‌های مهم فقرزدایی و توسعه در جهان بوده است. به‌طوری که از آن به نام انقلاب اعتبارات خرد یاد می‌کنند. برنامه اعتبارات خرد با ایجاد و گسترش فعالیت‌های درآمدزا به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، نقدی آن‌ها به منابع را کاهش و توسعه جوامع محلی را تسهیل می‌کند (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). امروزه در جهان، توسعه کارآفرینی دارای اجزای مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها کمک مالی است (Kolawole, 2005).

امروزه با توجه به نقش بالای دولت در اقتصاد ایران، دولت باید فرصت‌های تازه‌ای را جهت اشتغال نیروی فعال در جامعه ایجاد کند و از طرف دیگر با انجام نظارت و سیاست‌گذاری‌های لازم شرایط موردنیاز را برای توسعه فراهم کند، به‌نظر می‌رسد با برطرف کردن محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق گسترش اعتبارات خرد در مناطق روستایی ایران (به‌ویژه برای زنان)، بتوان موانع عدم وجود سرمایه‌ها را جهت توسعه کارآفرینی از میان برد و گسترش منابع مالی میان روستائیان باعث ترغیب آن‌ها به انجام فعالیت و توسعه کارآفرینی را در پی داشته باشد (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

توسعه کارآفرینی بین زنان روستایی زمینه ساز و تسهیل‌کننده دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع روستایی است. در این میان ابزارها و روش‌های مختلفی هم در کشورهای توسعه یافته هم در کشورهای در حال توسعه مورد جست و جو و بررسی قرار گرفته است. یکی از این موارد تخصیص اعتبارات خرد به گروه‌های مختلف ساکن در روستا به ویژه قشر آسیب‌پذیر جوامع روستایی یعنی زنان می‌باشد. امروزه نیاز زنان روستایی بیش از گذشته به حمایت در زمینه تجمیع سرمایه‌ها و اعتبارات خرد می‌باشد چرا که رشد و گسترش کارآفرینی، شناسایی فرصت‌های کارآفرینی، و رشد و گسترش مشاغل خانگی در روستا نیازمند اعطای تسهیلات اعتباری کم بهره در جهت خدمات‌رسانی بهینه در مناطق روستایی است. بنابراین جامعه روستایی این توان را دارد که زمینه‌های خود اشتغالی را با تأکید بر زنان روستایی بارور نموده و زمینه‌های کارآفرینی در جامعه روستایی را با تأکید بر فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی توسعه دهد.

امروزه با چرخشی بنیادی مفاهیم توسعه روستایی نسبت به گذشته دچار دگرگونی شده و تأکید بر ابعاد جدیدی از توسعه روستایی مانند بومی‌گرایی، توسعه درون‌زا، مشارکت فقرای روستایی، مشارکت زنان، حفظ محیط‌زیست همگی نشان‌دهنده این مطلب است که باید الگوهای جدیدی جهت دستیابی به این اهداف مدنظر قرار بگیرد. کارآفرینی پارادایم جدیدی است که با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جامعه روستایی جهت بروز خلاقیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و طبیعی این جامعه امروزه مورد توجه نظریه پردازان توسعه قرار گرفته است. جهت توسعه کارآفرینی قبل از هر چیز وجود سرمایه مالی لازم و ضروری می‌باشد، اعتبارات خرد امروزه می‌تواند به‌عنوان راهکاری

مطمئن سرمایه‌های مالی لازم را جهت توسعه کارآفرینی روستایی و به دنبال آن دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستائیان را محقق سازد.

منابع

۱. بختیاری، ص. ۱۳۸۹. مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی. فصلنامه دانش و توسعه، ۱۷ (۳۰): ۲۰-۳۰.
۲. پاسبان، ف. ۱۳۸۳. نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی: چالش‌ها و چشم‌اندازها، تهران: موسسه توسعه روستایی ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، معاونت صنایع و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
۳. خانی، ف. ۱۳۸۱. اعتبارات خرد برای زنان روستایی (ضرورت‌ها و موانع)، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی)، تهران، ۲۱(۲): ۲۷۳-۲۵۰.
۴. دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۹۲. گزارش ادواری صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایری. سایت <http://nrw.areo.ir>
۵. دهباشیان، س.، سپیدنام، ق.، کشتگری، م.، اکبریان، ر. ۱۳۹۰. تسهیلات تکلیفی بخش تعاون در ایجاد فرصت‌های شغلی طی برنامه سوم، مطالعه موردی استان خراسان رضوی. فصلنامه تعاون، ۲۲ (۵): ۱-۲۰.
۶. رحمانی، م.، زندررضوی، س.، ربانی، ع. و ادیبی، م. ۱۳۸۷. نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان (مطالعه موردی روستای پشت رود بم). فصلنامه مطالعات زنان، ۶ (۳): ۱۳۲-۱۰۵.
۷. رکن‌الدین افتخاری، ع.، طاهرخانی، م. و سجاسی قیداری، ح. ۱۳۸۷. تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۳): ۷۲-۴۳.
۸. شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی (۱۳۹۳). گزارش ادواری صندوق‌های حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی شهرستان شیراز.

۹. صابریان، م.، صبوری، م. ۱۳۹۳. تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد سمنان. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴): ۱۱۵-۱۰۷.
۱۰. طالب، م. و نجفی اصل، ز. ۱۳۸۶. پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بومین زهرا. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰ (۳): ۲۶-۱.
۱۱. علاءالدینی، پ. و موسوی، آ. ۱۳۸۹. ارزیابی اثر بخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی. توسعه روستایی، ۲ (۲): ۷۶-۶۱.
۱۲. علی میری، م. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱ (۱): ۱۶۹-۱۳۳.
۱۳. فرجی سبکبار، ح.، بدری، س.، سجاسی قیداری، ح.، صادقلو، ط. و شهدادی خواجه عسگر، ع. ۱۳۹۰. اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی، مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خداآهنده استان زنجان. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۵: ۶۸-۵۳.
۱۴. فقیری، م.، زرافشانی، ک. و علی بیگی، ا. ۱۳۹۰. پایان‌نامه بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. دانشگاه رازی کرمانشاه.
۱۵. مافی، ف. ۱۳۸۵. اعتبارات خرد، ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش اقتصادی، گروه فرهنگی انتشارات شادان.
۱۶. محمدی یگانه، ب. ۱۳۹۲. توسعه کارآفرینی و نقش آن در هزینه اعتبارات فردی و گروهی کشاورزی استان زنجان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲ (۴) (پیاپی ۶): ۵۶-۴۳.
۱۷. محمدی یگانه، ب.، چراغی، م. و عظیمی گهزار، ز. ۱۳۸۹. بررسی جایگاه و نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی روستایی. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری، شیراز، صص ۷.
۱۸. مقیمی، س. و احمدپور داریانی، م. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها. توسعه کارآفرینی، ۱ (۱): ۲۷۱-۲۴۶.

۱۹. ملاشاهی، غ. ۱۳۹۰. بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی: مطالعه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی. اولین همایش بین‌المللی توسعه روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان. بهمن ۱۳۹۰.

۲۰. نامجویان شیرازی، ز. ۱۳۹۳. قابلیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک. کارآفرینی در کشاورزی، ۱ (۳): ۸۲-۶۵.

21. Anderson, L., and Locer, L. 2002. Microcredit, social capital and common pool resources. *World Development*, 30(1): 95- 105.
22. Dabson, B., Malkin, J., Matthews, A., Pate, K., and Stickle, S. 2003. *Mapping Rural Entrepreneurship*. Washington, D.C: Crop for Enterprise Development.
23. De vita, L., Mari, M., and Poggesi, S. 2014. Women entrepreneurs in and from developing countries: Evidences from the literature. *European Management Journal*, 32(3): 451- 460.
24. European Commission. 2003. *Microcredit for Small Businesses and Business Creation*. Report by European Commission, Enterprise Publication. 1- 53.
25. Histrich, R.D., and Peters, M.P. 2002. *Entrepreneurship (Fifth Edition)*. Boston Burr Ridge IL Dubuque, IA Madison, WI New York Sanfransisco, St, Louis.
26. Kolawole, O., and Torimiro, D. 2005. Participatory Rural Entrepreneurship Development for Grassroots Transformation: A Factor Analysis. *J. Hum. Ecol.*, 18(3): 193-198.
27. Lavoie, D., and Fillion, R. 1995. *Forum entrepreneurship féminin quebécois*. Ecoledes Hautes Etudes Commerciales, Montreal.
28. Mathison, S. 2003. *Micro finance and disaster management*. The Foundation for Development Cooperation, South Brisbane, Pp: 8-9.
29. Mayoux, L. 1998. Participatory programme learning for womens empowerment in micro-finance programmes: negotiating complexity, conflict and change, *IDS Bulletin*. 29(3): 39-50.
30. McElwee, G. 2005. *Developing entrepreneurial skills of farmers*. University of Lincoln. EU-EsoF, Contract No SSPE-CT-2005-006500, June 2005.
31. Miller, M. 2008. *History of entrepreneurship: A clarification of the concept and its measures*.
32. O'Donnell, I. 2009. *Global assessment report-practice review on innovations in finance for disaster risk management*. Available at: www.preventionweb.net. (Retrieved 9 October 2009).
33. Pincha, C.H. 2008. *Gender-sensitive disaster management: a toolkit for practitioners*. Available at: www.eldis.org. (Retrieved 5 August 2009).
34. Robert, J., and Sternberg, B. 2004. Successful intelligence as a basis for entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 19(4): 189-201.

35. Sanyang, E.S., and Huang, W. 2008. Micro-financing: Enhancing the role of women's group for poverty alleviation in rural Gambia. *World journal of Agricultural Sciences*. 4(6): 665- 673.
36. Seymour, N. 2003. Women Entrepreneurs in the Developing world. August, *Coffman center for entrepreneurial Leadership Digest*: number 01- 04.
37. Sidhu, K., and Kaur, S. 2006. Development of Entrepreneurship among Rural Women. *Journal of Social Sciences*, 13(2): 147-149.
38. Skarlatos, K. 2004. Microfinance and women's empowerment: bridging the gap, redesigning the future. *Wisconsin Coordinating Council on Nicaragua, Working: Paper Series No 1*.
39. Swain, R.B., and Wallentin, F.Y. 2007. Does microfinance empower women?. *International Review of Applied Economics*. 23(5): 541- 556.
40. The World Bank. 2006. *Microfinance in South Asia: Toward financial inclusion for the poor*. Washington D.C., U.S. Pangraphics.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 3 (3), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

Role of Microcredit in the Rural Women's Entrepreneurship Development

***F. Alitavakoli¹ and R. Movahedi²**

¹M.Sc. Student, Dept., Agricultural Extension and Education, College of Agriculture,
Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran, ²Associate Prof., Dept., Agricultural Extension and
Education, College of Agriculture, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran

Received: 23/02/2016 ; Accepted: 10/06/2016

Abstract

One of the major areas of women's participation in rural society is to create small businesses and initiate to enter entrepreneurship or self-employment. Rural entrepreneurship as a basic approach can both contribute to development and progress of the rural. Already regard to the challenges in our rural such as unemployment, low productivity rate, improper migrations and high rate of poverty seems to be paying development funds, including microcredit way that can by increasing the entrepreneurial capabilities among rural people has led to the development of these regions. The aims of micro-credit system at to accelerate the process of investment and strengthening financial and savings in rural areas and eventually empowerment of rural women. Also, putting capital in the hands of women for commissioning income-generating activities and have been effective in social and economic empowerment and improve their quality of life. Therefore, this paper is done by a library research in addition has an emphasis both on the role of microcredit in the development of small businesses and womens entrepreneurship in rural communities.

Keywords: Microcredit, Entrepreneurship, Rural Women, Empowerment

*Corresponding author: f.alitavakoli93@gmail.com

